



Survey of Geographical location of the Aratta Name Place Based on Written Sources and Archaeological Finds

Roqieh Jalilian¹

(96-112)

Abstract

One of the goals of archaeology is to identify the missing names place. Archaeologists are always trying to find the place of missing name through various sources in history. One of these very important names place is "land of Arata". In the clay tablet found from Ur of the Mesopotamia (Iraq) It has been mentioned from several locations that related to the third century BC, some of which have been located in Iran. The name "Aratta" is one of these places that a lot of views has been raised over its present-day location. Today, most researchers believe that the Aratta Name Place was located in the domain of Jiroft civilization. According to Sumerian sources, there was a close relationship between this region and Mesopotamia during the reign of Enmerkar of the king of the first dynasty of Uruk. The aim of this study was to identify the geographical location of Aratta name place and adapt it to the Jiroft civilization based on library resources and to investigate new archaeological researches in Jiroft plain. This article, by studying historical sources and surveying archaeological findings, especially the study of motifs of chlorite stone containers, has concluded that Aratta is most likely located in Jiroft region of Kerman province.

Keywords

Aratta, Enmerkar Tablet, Mesopotamia, Kerman Province, Jiroft Civilization.

1. Corresponding Author: Roghayeh.Jalilian@ut.ac.ir

Undergraduate Student of Archaeology, University of Tehran. Tehran. Iran



بررسی موقعیت جغرافیایی جای نام آرت براساس منابع مکتوب و یافته‌های باستان‌شناسی

رقیه جلیلیان ۱

دانشجوی کارشناسی باستان‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱
رویکرد علمی - پژوهشی

چکیده

یکی از اهداف باستان‌شناسی، شناسایی جای‌نام‌های گمشده است. باستان‌شناسان همواره در تلاش هستند که این جای‌نام‌های گمشده در تاریخ را از طریق منابع مختلف پیدا کنند. یکی از این جای‌نام‌های بسیار مهم سرزمین آرت یا آراتا است. در لوح گلی یافت شده از شهر اور در میان‌رودان (عراق امروزی) از مکان‌های متعددی مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد نام برده شده که برخی از آنها در ایران جایابی شده‌اند. جای نام آرت یکی از این مکان‌هاست که بر سر محل امروزی آن نظرات فراوانی ارائه شده است. امروزه بیشتر پژوهشگران این حوزه بر این باورند که جای‌نام آرت در حوزه تمدن جیرفت قرار داشته است. بر اساس منابع سومری، در زمان فرمانروایی انمرکار پادشاه سلسله اول اوروک ارتباط تنگاتنگی میان این منطقه و میان‌رودان وجود داشته است. هدف از این پژوهش، شناسایی موقعیت جغرافیایی جای‌نام آرت و تطبیق آن با تمدن جیرفت بر اساس منابع کتابخانه‌ای و بررسی پژوهش‌های جدید باستان‌شناسی در دشت جیرفت است. این پژوهش با مطالعه بر روی منابع تاریخی و بررسی یافته‌های باستان‌شناسی، به خصوص بررسی نقوش ظروف سنگ کلریتی به این نتیجه رسیده است که به احتمال زیاد آرت در منطقه جیرفت استان کرمان قرار داشته است.

واژه‌های کلیدی: آرت، لوح انمرکار، میان‌رودان، استان کرمان، تمدن جیرفت.



مقدمه

یکی از مشکلات بزرگ در زمینه تاریخ ایران باستان مسئله بررسی و تحقیق در مورد شناسایی دقیق موقعیت جغرافیایی بعضی از سرزمین‌ها مانند مرهشی و آرت، دو ایالت مهم، بوده که بنا بر مدارک موجود قسمت‌هایی از فلات ایران را تشکیل می‌دادند. عدم اطمینان در مورد موقعیت دقیق جغرافیایی دو سرزمین مرهشی و آرت موجب بحث‌های زیادی میان آن دسته از باستان‌شناسان شده که هریک از آن‌ها منطقه‌ای را درون مرزهای کنونی کشور ایران به عنوان محل دقیق این دو سرزمین پیشنهاد کرده بودند. از منظر باستان‌شناسی، تمدن جیرفت یا هلیل رود یک مجموعه فرهنگی است که در جنوب استان کرمان واقع شده است. کشفیات باستان‌شناسی در دو دهه گذشته سبب شده تا این تمدن گمشده در تاریخ مورد توجه قرار گیرد.

تاکنون چهار پژوهشگر، چهار منطقه گوناگون را به عنوان موقعیت دقیق جغرافیایی سرزمین آرت حس زده‌اند که عبارتند از: ساموئل کریمر ایالت آرت را همان سرزمین لرستان در جنوب غرب ایران می‌داند، پیشنهاد دوم به وسیله جورجینا هرمن در بحثی مربوط به تجارت سنگ لاجورد عنوان شده است. در ارتباط با این بحث هرمن معتقد است که آرت جایی در جنوب یا جنوب شرق دریای مازندران قرار دارد. پیشنهاد سوم توسط هانسن ارائه شده است که در آن آرت را با منطقه باستانی شهرسوخته در بخش جنوب شرقی دریاچه هیرمند یکی دانسته است جایی که در آن به هنگام حفاریات باستان‌شناسی در سال‌های اخیر هزاران تکه کوچک سنگ لاجورد و عقیق به دست آمده است. پیشنهاد چهارم توسط سول کوهن ارائه شده که آرت را با مجموعه مناطق همدان - نهاوند - کرمانشاه - سنندج در یک بحث مفصل در رساله دکترای خود شناسایی کرده است (مجیدزاده، ۱۳۵۹: ۱-۲). این پژوهش با هدف به آزمایش قرار دادن نظریات فوق به توصیف و بررسی آن‌ها پرداخته شده و مجیدزاده معتقد است که سرزمین آرت باید جایی در جنوب شرق ایران باشد که با توجه به اهمیت تمدن جیرفت در متون میان‌رودانی و همچنین کشفیات باستان‌شناسی در سال‌های اخیر باعث شده تا از منظر باستان‌شناختی و علوم میان‌رشته‌ای به روابط این دو سرزمین آرت و میان‌رودانی در هزاره سوم پیش از میلاد پرداخته شود.

اهداف و ضرورت تحقیق

هدف از نگارش مقاله حاضر، تعیین موقعیت جایگاه سرزمین آرت بر اساس منابع مکتوب و یافته‌های باستان‌شناسی است. با کشف تمدن جیرفت و آثاری که از آن به دست آمده مانند ظروف سنگ کلریتی، مهرها و لوح‌های آغاز نگارش به بررسی این آثار که از ویژگی‌های هنر میان‌رودانی تأثیر گرفته است می‌پردازیم. مهم‌ترین دلیل نگارش این مقاله از نظر نگارنده، تعیین دقیق موقعیت جایگاه سرزمین آرت است.



پرسش و فرضیه

پرسش پژوهش حاضر این بوده است که آیا سرزمین آرت که در منابع سومری به آن اشاره شده در داخل فلات ایران قرار گرفته است؟ برای اثبات این فرضیه ما به داده‌ها و اطلاعاتی نیاز داریم که در منابع سومری به منطقه شرق میان‌رودان و فلات ایران اشاره شده و بر اساس همین داده‌ها و اطلاعات می‌توان این سرزمین گمشده در تاریخ را پیدا کرد. پرسش دیگر این تحقیق این است که آیا تمدن جیرفت همان سرزمین آرت است یا سرزمین مرهشی؟ بر اساس اشیاء یافت شده از هلیل رود جیرفت می‌توان این احتمال را بیان کرد که بین سرزمین آرت و میان‌رودان ارتباط فرهنگی و تجاری برقرار بوده است و سرزمین مرهشی که در منابع میان‌رودانی به آن اشاره شده هم در داخل فلات ایران قرار گرفته اما نام مرهشی همیشه در کنار ایلام آمده است. در نتیجه می‌توان این احتمال را بیان کرد که این سرزمین در نزدیکی ایلام کنونی قرار داشته است. پرسش دیگر این پژوهش این است که آیا این اشیاء یافت شده در هلیل رود جیرفت در خود منطقه ساخته شده‌اند یا وارداتی هستند؟ به دلیل اینکه استان کرمان دارای منابع سنگ کلریتی و مصالح ساختمانی است می‌توان این احتمال را بیان کرد که مردمان این منطقه خود سازنده این اشیاء بوده و آن‌ها را به مناطق دوردست صادر می‌کردند.

پیشینه پژوهش

حمدالله مستوفی (۱۹۰۵ میلادی) در کتاب «نزّهة القلوب» به جغرافیای سرزمین آرت اشاره کرده است (مجیدزاده، ۱۳۵۹). پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناسی در دشت جیرفت شامل بررسی‌های سر اورل اشتاین در دهه ۱۹۳۰ میلادی برمی‌گردد که به شناسایی محوطه‌های فراوانی منجر شد (اسکندری و دیگران، ۱۳۹۹) و پیش از انقلاب بررسی‌ها توسط علی اکبر وحدتی و سید منصور سیدسجادی صورت گرفت که منجر به شناسایی اکثر محوطه‌های باستانی منطقه شد (اسکندری و دیگران، ۱۳۹۹) و بعد با کشف تمدن جیرفت در سال ۲۰۰۰ میلادی یک فصل کاوش‌های نجات بخش توسط حمیده چوبک در محوطه کنارصندل و گورستان ریگانبار مربوط به هزاره سوم و دوم پیش از میلاد و پس از آن کاوش‌های علمی و هدفمند دکتر یوسف مجیدزاده در بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ میلادی به مدت شش فصل انجام گرفت که منجر به شناسایی آثار بسیاری از جمله: ظروف سنگ صابون، بناهای عظیم خشتی، مهر و اثر مهر و ... از این تمدن شد (اسکندری و دیگران، ۱۳۹۹). با کشف تمدن جیرفت کاوش‌های تیم‌های مشترک ایرانی - خارجی آغاز و کماکان نیز ادامه دارد که منجر به انتشار کتاب‌ها و مقالات زیادی شده است؛ از جمله این پژوهش‌ها، می‌توان به مقاله فرانسوا دوسه و همکاران او در مورد قبرهای دره هلیل رود جیرفت (۲۰۱۷ میلادی) اشاره کرد (Desset and others, 2017). مقاله نصیر اسکندری و همکارانش در بررسی «تمدن جیرفت بر اساس متون میخی میان‌رودانی و کشفیات باستان‌شناختی در محوطه‌های باستانی ورامین و کنارصندل جیرفت» (۲۰۲۰ میلادی) (اسکندری و دیگران، ۱۳۹۹) و مقاله فرانسوا دوسه و دیگران (میلادی ۲۰۲۲) که به بررسی مناظر مذهبی تمدن هلیل رود جیرفت، ظروف مخروطی، دست ساخته‌های کلریتی و بررسی خدایان سرزمین مرهشی پرداخته شده است، اشاره کرد (Desset and others, 2022).



جایگاه آرت کهن ترین منابع خطی که در آن نامی از سرزمین آرت برده شده است متعلق به انمرکار^۱ است که این داستان بر روی لوح چهارگوش به ابعاد تقریبی ۵ در ۲۲ سانتی متر در اوایل هزاره دوم پیش از میلاد نوشته شده که متن آن بالغ بر ششصد سطر به خط میخی و به زبان سومری است که به ۱۲ ستون تقسیم شده است که انمرکار بنا به فهرست پادشاهان سومر دومین پادشاه سلسله اول اوروک بوده است. یکی از این متون به انمرکار و فرمانروای آراتا معروف می‌باشد که پادشاه سومر برای دستیابی به طلا، نقره و سنگ لاجورد سرزمین آرت دست به دامن اینانا (الهه عشق و جنگ در زبان سامی) می‌شود و از او راهنمایی می‌خواهد. سپس انمرکار فرمانروای اوروک در نیاز به صنعتگران و مصالح ساختمانی و سنگ‌های قیمتی و جواهرات سرزمین آرت به هنگام به جای آوردن مراسم نیایش خجسته باروری در برآوردن تقاضای انمرکار، الهه اینانا او را راهنمایی می‌کند (Hansman, 1972: 38, 87, 108). این لوح بازگوکننده نخستین باری است که فرمانروایی برای آن که کلمه‌ای از پیامش برای فرمانروای سرزمین دیگری ناگفته نماند و تحریف نشود آن را به صورت مکتوب ارسال می‌کند. این داستان حماسی نشان می‌دهد که در دوران سلسله‌های قدیم، فرمانروایان میان‌رودانی از وجود این پادشاهی و معادن و سنگ‌ها و فلزات قیمتی آن آگاهی و شناخت کامل داشتند و آرت در هزاره سوم پیش از میلاد پادشاهی نیرومندی بوده است. همچنین از این متون چنین برمی‌آید که صنعتگران و هنرمندان آرت حداقل در طی هزاره سوم پیش از میلاد از شهرت چشمگیری برخوردار بوده‌اند و فرمانروایان دولت‌شهرها و پادشاهی‌های میان‌رودانی از آن‌ها و هنرشان شناخت کاملی داشتند (شادجو، ۱۳۸۶: ۱۷۵).

برخی از پژوهشگران رشته کوه‌های هور ساگ زوبی^۲ یا کوه سیاه در حماسه انمرکار را که در طول جاده آرت قرار گرفته است با قره داغ در شمال آذربایجان یکی شمرده و در نتیجه برای یافتن سرزمین آرت نظر خود را به این سوی از سرزمین ایران معطوف کرده‌اند؛ درحالی‌که با توجه به متون سومریان معادن گچ را کوه سیاه می‌نامیدند. وجود کوه‌های سیاه که معادنی برای گچ هستند در نزدیکی تل ابلیس در غرب کرمان یک کوره بزرگ گچ‌پزی به وسیله باستان‌شناسان حفاری شده است (Gordon, 1960: 17). در حماسه انمرکار به هفت کوه اشاره شده که امکان زیادی دارد که قراردادی باشد زیرا عدد هفت اهمیت ویژه‌ای داشته و می‌توانسته است به عنوان نمادی برای بیان مسائلی مانند اندازه‌گیری زمان، مکان و فاصله به کار گرفته شده و این همان موضوعی است که امروزه با آن مواجه هستیم. منابع سنگ‌هایی که در حماسه انمرکار آمده و در خطاب به الهه اینانا می‌گوید: "بگذار تا مردم آرت سنگ‌ها را از کوه‌های سرزمین‌های بلند خود به زیر آورند تا برای من معبد عظیمی بسازند." البته در اینجا انمرکار دقیقاً ذکر از منابع سنگ‌های گرانبهای آرت به میان نیاورده اگرچه وجود سنگ لاجورد در کوه‌های کرمان در دو گزارش مربوط به قرون وسطی بیان شده است که یکی از آن‌ها به وسیله حمدالله مستوفی قزوینی محاسب و مأمور رسیدگی به امور مالیات در دربار سلطان ابوسعید بوده و دیگری در سال ۱۳۹۵ میلادی توسط چان ته^۳ یک مسافر چینی نوشته شده است (Mostawfi, 1905: 197).

علی حاکمی در گزارش کوتاه خود درباره حفاری شهاداد اشاره به وجود تعداد زیادی مهره از سنگ لاجورد می‌کند که به همراه اشیاء دیگری که با آثار تمدنی متعلق به دوران دوم و سوم سلسله‌های قدیم در میان‌رودان شباهت دارند به دست

۱. Enmerkar .

۲. hur zag zubi.

۳. Cante.



آمده‌اند. از آنجا که آثار به دست آمده از شهداد متعلق به یک گورستان است این احتمال وجود دارد مردم محلی در نزدیکی این گورستان زندگی می‌کرده‌اند و مرده‌های خود را در گورستان شهداد دفن کرده‌اند و اشیائی از سنگ لاجورد را در کنار مرده قرار می‌دادند. این مردمان دارای کارگاه‌های صنعتی پیشرفته‌ای برای ساختن این اشیاء بوده‌اند. در بخش جنوب غرب کرمان در میان دره‌های کوهستانی سوغون و جیرفت تعداد زیادی از مراکز تمدنی مربوط به هزاره چهارم پیش از میلاد دیده شده است که تاکنون تعدادی از این استقرارها توسط هیئت حفاری تپه یحیی ثبت شده است. لایه‌های تمدنی IVC - IVB در تپه یحیی به ترتیب همزمان با دوران جم‌ت نصر و سلسله‌های قدیم در میان‌رودان است. وجود کوزه‌های چهاردسته‌ای، کاسه‌های لبه وارینخته، به همراه لوح‌های آغاز ایلامی، مهرهای استوانه‌ای و تعداد زیادی ظروف سنگ صابونی به خوبی رابطه میان میان‌رودان، شوش و تپه یحیی را نشان می‌دهند (karlovsky, 1973: 29).

بخشی از گفت و گوی انمرکار با خواهرش اینانا الهه نیرومندی و حامی شهر اوروک که با التماس از او می‌خواهد مردم آرت را وادار کند به منظور تزئین معابد و نمازخانه‌های معتدد به ویژه معبد آبزو (آبسو) یعنی معبد دریا متعلق به خدای آنکی برای او طلا، نقره، سنگ لاجورد و دیگر سنگ‌های گرانبها بیاورند.

{ای خواهرم اینانا برای اروک بگذار تا آن‌ها سنگ لاجورد ناب از تخته سنگ‌ها پایین بیاورند.}

آگاهی بسیار مهم دیگری که می‌توان از استوره انمرکار و فرمانروای آرت به دست آورد این است که طی هزاره سوم پ.م صنعتگران، هنرمندان، معماران آرت در منطقه از شهرت فراوانی برخوردار بوده و فرمانروایان دولت‌شهرها و پادشاهان میان‌رودانی از آن در مکاتب هنری آرت پرورش یافته بود شناخت کامل داشته‌اند؛ زیرا در این داستان می‌خوانیم که انمرکار افزون بر سنگ‌های قیمتی از الهه اینانا می‌خواهد مردم آرت را وادار سازد که مردم معابد و نمازخانه‌های متعدد برای معبد آبزو یعنی معبد دریا برای خدای آنکی بسازند.

{از اوروک سرزمین مقدس

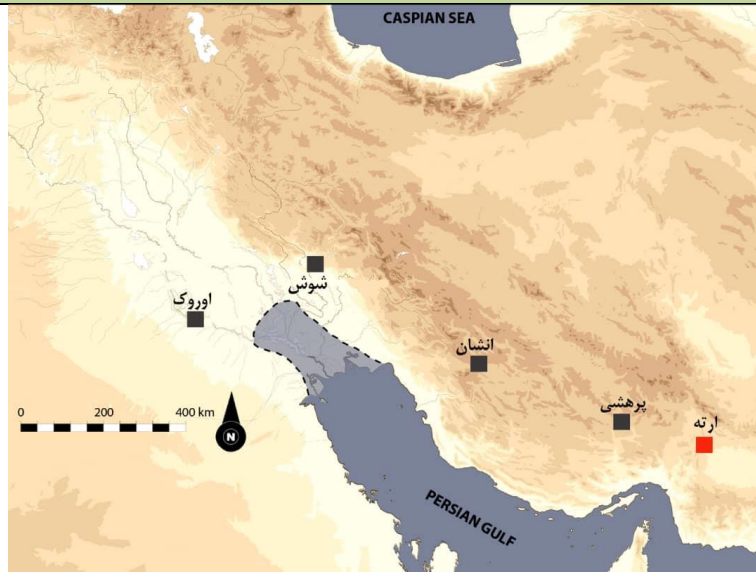
از خانه انشان که در آن قراردادی

بگذار تا آن‌ها.....(آن را) بسازند

از گیپروی مقدس که در آن خانه خویش را بنیان نهاده‌ای



۷ / باستان پژوهی، دوره ۲۱، زمستان ۱۴۰۱



تصویر ۱: موقعیت پیشنهادی برای جایگاه سرزمین آرت (نقشه از نگارنده، ۱۴۰۱)

باشد که مردم آرت درون آن را هنرمندانه تزئین کنند

بگذار تا مردم آرت

پس از پایین آوردن سنگ‌ها از کوه‌های سرزمین بلندشان

برای من معبدی بسازند، برای من معبد بزرگی بر پا دارند، برای من معبد بزرگی ایجاد کنند، معبد خدایان را، برای من آپسو را همچون کوهستان مقدس تزئین کنند،

برای من اریدو را همچون کوهی تطهیر کنند،

برای من آپسو را همچون غاری ایجاد کنند،

و سرانجام فرمانروای آرت با درخواست انمرکار فرمانروای اوروک موافقت می‌کند و مردم آرت به اوروک طلا، نقره، سنگ لاجورد می‌فرستند و آن‌ها را در صحن مقدس اینانا بر روی هم انباشته می‌کنند. { تصویر ۲) (مجیدزاده، ۱۳۸۱: ۱۰-۹).



تصویر ۲: لوح گلی که انمرکار برای فرمانروای آرت فرستاده است (Desset, 2014: 12).



در حماسه گیلگمش این پهلوان نیمه افسانه‌ای برای یافتن زندگی جاودان مجبور می‌شود از شهر ظلمات بگذرد. در لوح گیلگمش در ستون پنجم از لوح نهم، زمانی که گیلگمش از شهر ظلمات خارج می‌شود چنین آمده است:

{هنگامی که یازده دو ساعت طی کرده، سپیده می‌دمد،

و هنگامی که دوازده شش دو ساعت طی می‌کرد، هوا روشن شده بود،

در برابر او باغ سنگ‌های گرانبها قرار دارد آن‌ها را می‌بیند نزدیک می‌رود،

میوه‌های آن از یاقوت است،

نمای آویزان آن‌ها از تاک‌ها دلپذیر است،

برگ‌ها از سنگ لاجورد،

نیز باران میوه است، تماشای آن باشکوه است. { (مجیدزاده، ۱۳۸۱: ۱۰)

آن گونه که از نوشته‌های میان‌رودانی بر می‌آید آرت منطقه یا شهری ثروتمند در سرزمین ایران و شمال اوروک و با هفت رشته کوه فاصله از آن در هزاره سوم پ.م بوده که دارای معادن غنی بوده است. در سال ۱۳۵۵ هـ.ش دکتر یوسف مجیدزاده برای نخستین بار نظریه‌ای را مبنی بر وجود سرزمین آرت در کرمان امروزی مطرح کرد و امروزه با توجه به مدارک باستان‌شناختی به دست آمده از حوزه هلیل رود و تمدن جیرفت با استناد به سند مهمی از دوران انمرکار پادشاه اوروک و فرمانروای سومری که در آن به فرمانروایی و معادن سنگ‌ها و فلزات قیمتی در سرزمین آرت اشاره شده، وی با سرپرستی شش فصل حفاری علمی در جیرفت، آگاهی از وجود معادن غنی از فلزات معدنی و سنگ‌های کلریتی در منطقه جیرفت، سرزمین آرت را منطقه‌ای به مرکزیت جیرفت کنونی می‌داند و بر آن تأکید دارد. لازم به ذکر است که عقاید متفاوتی در مورد جای نام آرت وجود دارد. دکتر عباس علیزاده باستان‌شناس مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو با ارتباط دادن آرت افسانه‌ای با تمدن جیرفت مخالف است و آرت را جایی در غرب ایران - کردستان امروزی می‌داند و بر آن تأکید دارد (رازانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۳).



تمدن جیرفت

در زمستان سال ۱۳۷۹ هـ.ش شماری از ساکنان حوزه هلیل رود و به طور اخص جیرفت در منطقه جنوب شرقی ایران واقع در استان کرمان به حفاریات غیرقانونی در گورستان‌های متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد همزمان با سلسله اول ایلام قدیم پرداخته و آثار زیادی که تعداد آن‌ها قابل تخمین نیست را به تاراج بردند. اطلاعات ما در محدوده اشیاء مکشوفه در حفاریات باستان‌شناسی حاکی از این است که این اشیاء شامل آثار فلزی، سفال، سنگ، کتیبه‌های گلی و معماری بوده که در بین آن‌ها اشیاء سنگ کلریتی از لحاظ کمیت و کیفیت نقوش بسیار شاخص هستند (رفیع فر و ملک، ۱۳۹۲: ۹). همبستگی تمدنی میان شرق و غرب کرمان از یک سو و رابطه آن با شوش و میان‌رودان از یک سوی دیگر هنگامی به خوبی آشکار می‌شود که ما به این تصویر تمدنی خود نتایج حفاری بمپور که سفال دوره‌های I - VI آن به طور نزدیکی به سفال لایه‌های IVB - IVC در تپه یحیی شباهت دارد. همان طور که از مضمون حماسه انمرکار آمده مردم سرزمین آرت فلزگران، سنگ‌تراشان، معماران و پیکرتراشان ماهر و قابل بوده‌اند. تعداد زیادی از کارهای ممتاز هنری از

قبرستان شهداد به دست آمده مانند پیکره‌های منقوش که دست‌های خود را به حالت پرستشگران در برابر سینه روی هم گذاشته‌اند و به مجسمه‌های دوران سلسله‌های قدیم که بالاتنه و دست‌هایشان در یک حالت هندسی تجریدی شده‌ای شباهت دارند. پلاک‌های مسی با کنده‌کاری تزئین شده‌اند، ظروف کنده‌کاری شده از جنس سنگ صابون (تصاویر ۳ و ۴)، یک مهر استوانه‌ای که بر روی آن به طرز بسیار هنرمندانه یک الهه بر تخت نشسته حکاکی شده است (تصویر ۵)، تعداد زیادی مهره از جنس سنگ لاجورد و عقیق و بسیاری دیگر از انواع گوناگون آثار هنری که همگی دلالت بر وجود هنرمندان بزرگی می‌کنند که صنعت فلزگری پیشرفته‌ای داشته‌اند (karlovsky,1971:91 & kramer,1952:9).



تصویر ۵: مهر استوانه‌ای به دست آمده از محوطه شهداد (پارو، ۱۳۹۱: ۲۲۸).



تصاویر ۳ و ۴: دو موجود انسانی که هر کدام به هر دست پلنگی را از دم گرفته و آن را به هوا بلند کرده‌اند. یکی از آن‌ها دامنی بلند بر تن دارد اما دیگری ترکیب بالاتنه انسان و پایین‌تنه یک گاو نرسه تزئین سنگ نشانی به رنگ‌های فیروزه‌ای و اخراپی به احتمال فراوان لکه‌های بدن گاو نر را نشان می‌دهد. این نقش که بی‌تردید گاو-مردی است که شال پهنی به دور کمر و میج بندهایی به میج پا دارد، میج بند و دستبندهای این گاو-مرد و دستبندهای انسان در سمت دیگر این ظرف در اصل سنگ نشانی شده بوده که همه آن‌ها از مینا رفته است. افزون بر آن دامن مرد که در این ظرف راه راه نشان داده شده است در اصل به کمک یک یا چند رنگ سنگ نشانی شده که همه آن‌ها از مینا رفته است (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۰-۹).

یکی از مهم‌ترین کشفیات باستان‌شناسی از محوطه کنارصندل جیرفت، مهر و اثرمهر است. در باستان‌شناسی، مهرها دارای کارکردی در زمینه مالکیت، ذخیره‌سازی، توزیع و تجارت کالاها بوده‌اند. طی کاوش‌های باستان‌شناسی در کنارصندل، تعداد قابل توجهی اثر مهر به دست آمده که مربوط به دوران سلسله‌های قدیم میان‌رودان است. وجود این اثر مهرهای میان‌رودان مربوط دوره سلسله قدیم سه، نشان دهنده حضور میان‌رودانی‌ها در دشت جیرفت قبل از دوره آکد است. یک اثر مهر مهم از کاوش کنارصندل جنوبی به دست آمد که برای پلمپ درب استفاده می‌شده است که در واقع این اثر مهر از نوع مهرهایی با عنوان «مهر شهر» است که در سومر مرسوم بوده است. در این نوع مهرها نمادهای چندین شهر سومری در کنار هم وجود داشته است. اثر «مهر شهر» میان‌رودانی به دست آمده از جیرفت مربوط به دوره سلسله قدیم اول یعنی

حدود ۲۹۰۰ پیش از میلاد است. در این اثر مهر نیز نماد چندین شهر میان‌رودانی مشخص است که واضح‌ترین نماد شهر اور است (تصویر ۶) (اسکندری و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۲).



تصویر ۶: نمادشهر اور میان‌رودان که بر روی اثر «مهرشهر» جیرفت وجود دارد (اسکندری و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۳).



نگارش ایلامی خطی

در طی کاوش‌های جیرفت تا پایان فصل ششم حفاری‌ها، چهار مدرک خطی به دست آمده که یکی از آن‌ها از کاوش‌های دژ کنارصندل جنوبی حاصل شده و در حقیقت آجری به ابعاد $۲ \times ۷ \times ۱۱$ سانتی متر است (تصویر ۷). ۳ لوح دیگر نیز از ۶۰۰ متری شمال این منطقه، درون خانه‌ای مسکونی در ترانشه‌ای ۵×۵ متری به دست آمده است. خطی که روی این الواح به کار رفته به اعتقاد کارشناسان از جمله دکتر مجید زاده از نوع خط ایلامی نوشتاری و ظاهراً خاستگاه آن بوده و مراحل اولیه این خط را نشان می‌دهد (رازانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۹). سه نشانه منحصر بر روی این لوح بسیار به نشانه‌های نوشتار ایلامی خطی شبیه‌اند اما کاملاً یکسان نیستند که دو فرضیه در توضیح این ویژگی شکل گرفته است:

– این لوح قدیمی‌تر یا جدیدتر از نوشتار ایلامی خطی است.

– نوعی نگارش جدید و متفاوت است.

کشف خط در جیرفت از جهت اثبات وجود ویژگی‌های تمدنی با ریشه‌های غنی از اهمیت بسیاری برخوردار است (دوسه، ۲۰۱۴: ۴). در ساختاری همانند جیرفت که نظام‌های شهری، اجتماعی، صنعتی و دینی موجود بوده‌اند، نوشتار و آن هم در غالب خطی نو حاکی از شکوفایی اندیشه مردمان این دیار دارد (رازانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۹).



تصویر ۷: تپه کنارصندل جنوبی، آجرکتیبه دار، به دست آمده از راهروی ورودی دژ (رازانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۹).

موقعیت جغرافیایی مرهشی براساس منابع تاریخی

در منابع تاریخی دقیقاً مشخص نیست که مرهشی اسم یک شهر است یا دولت‌شهر و یا اینکه نام یک منطقه جغرافیایی با تعدادی مراکز مسکونی. نام منطقه مرهشی در متون کهن، همواره در کنار نام ایلام باستان، چه در فهرست فتوحات پادشاهان میان‌رودانی و چه در سرکشی‌ها و شورش‌ها علیه میان‌رودانی‌ها، ذکر شده است. چنین به نظر می‌رسد که به انگیزه حفظ خود، با ایلام باستان رابطه دوستانه‌ای داشته است. قدیمی‌ترین سند مکتوبی که در آن از منطقه مرهشی نام برده شده، کتیبه‌ای طولانی است درباره «لوگل ان موندو» پادشاه تنها سلسله شهر ادب که یکی از سلسله‌های دوران قدیم میان‌رودان در حدود اواسط هزاره سوم پ.م است. دو کتیبه از زمان سارگن آکدی اطلاعاتی در زمینه تاریخ ایلام باستان ارائه می‌دهد که یکی از آن‌ها حاوی جزئیات بیشتری است و با وجود خاصه بودن آن، اشاره‌های مهمی در آن به چشم می‌خورد. تمام شواهد موجود در این کتیبه نشان می‌دهد که ساختار حکومت ایلام باستان بر اتحاد میان بخش‌های مختلف پایه ریزی شده بود. از مطالب این کتیبه درباره پیروزی سارگن بر فرمانروای مرهشی چنین بر می‌آید که این ایالت متحد ایلام، خود نیز اتحادی از قسمت‌های گوناگون بوده است. در کتیبه نام فرمانروای مغلوب نیامده اما نام برادر فرمانروا و نیز نام قاضی مرهشی ذکر شده است. احتمال دارد پس از شکست، این دو تن باهم حکومت کرده باشند. کتیبه دوم سارگن باید پس از مدت‌ها و گذشت زمانی نسبتاً طولانی از تهیه کتیبه نخست، در لشکرکشی دیگری از جانب فرمانروای آکدی به «شرق سرکش» نوشته شده باشد. این کتیبه نام چند تن از افرادی را که در کتیبه نخست آمده بود، دوباره ذکر می‌کند. در این کتیبه نام این پادشاه همراه با شرحی از پیروزی‌ها و فعالیت‌های عمرانی او بیان شده است. این منطقه جغرافیایی توسط «کوری گلزوی» پادشاه کاسی‌های بابل نابود شده و از آن پس دیگر هیچ نامی از مرهشی در متون تاریخی به ویژه هنگام لشکرکشی‌های مختلف به میان نمی‌آید (مرادی، ۱۳۹۳: ۱۰۳-۱۰۰).





تصویر ۸: موقعیت جغرافیایی مرهشی بر اساس نظر والتر هینتس (هینتس، ۱۳۷۱: ۸۳).

نظرات مختلف در خصوص موقعیت مرهشی



فرانسوا والا مکان احتمالی مرهشی را در بلوچستان ایران می‌داند. نتیجه‌گیری فرانسوا والا در خصوص موقعیت منطقه مرهشی صرفاً بر اساس تفسیر و تحلیل داده‌های مکتوب استوار است. استین کلر مکان مرهشی را در مشرق فارس و استان کرمان می‌داند. به نظر والتر هینتس، مرهشی به احتمال قوی در منطقه کوهستانی پشتکوه و سرزمین‌های اطراف کرخه علیا و قسمت شمال غرب خوزستان است (تصویر ۸). مجیدزاده و نگهبان نیز موقعیت مرهشی را در شمال غربی ایلام می‌دانند. به نظر کامرون نیز مرهشی در نواحی غربی یا شمال غربی دشت خوزستان بوده و در واقع پایگاهی بوده که ایلامیان از آنجا به میان‌رودان می‌تاختند. کارلوسکی نیز این احتمال را مطرح کرد که شهاداد مرکز مرهشی بوده است. فرانکفورت و ترمبلی موقعیت مرهشی را برابر با تمدن آمودریا در منطقه آسیای میانه می‌دانند. با کشف تمدن جیرفت بیشتر محققان بر این باورند که تمدن جیرفت برابر با تمدن مرهشی است. از نظر ابراهیم مرادی استاد باستان‌شناسی دانشگاه آزاد ایلام با توجه به بررسی‌هایی که در منطقه پشتکوه ایلام انجام داده است محوطه‌های باستانی متعددی متعلق به دوران ایلام باستان، شناسایی شده است که محوطه «کول خزینه» با موقعیت مرهشی برابری می‌کند (مرادی، ۱۳۹۳: ۱۰۴-۱۰۳ و اسکندری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۲).



تصویر ۹: موقعیت محوطه کول خزینه در جنوب غرب کشور (مرادی، ۱۳۹۳: ۱۰۸).

نماد پلنگ و مار در آثار جیرفت

گربه‌سانان در گروه جانورانی هستند که در طول تاریخ هنر، از دوران پیش از تاریخ، به شکل‌ها و ترتیب‌های گوناگون بر آثار کهن، نقش گشته‌اند. این موجودات به صورت‌های گوناگون پلنگ، شیر و گربه مشاهده می‌شوند (تصویر ۱۰). پلنگ در تمدن‌های گوناگون، مفهومی چون درنده‌خویی، بی‌پروایی، تهور، سرعت و دورویی به خود اختصاص داده است و بنا به این که خال‌های روی بدن او به چشم شباهت دارند، به نگهبان بزرگ معروف شده است. پلنگ و به عبارتی گربه‌سانان، بر اساس توانایی‌ها و قدرت چشمگیر، قدرت جنسی و تولد بسیار، تهور و بی‌باکی و در این حال ظرافت، به عنوان همراه و محافظ ایزدان و ایزدبانوان انتخاب شده‌اند و در معابد سومری از جمله معبد «عوقیر» مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد به تصویر کشیده شده‌اند. مار به عنوان نمادی از آب، موجودی پنهان در ژرفای اقیانوس‌ها و انباشته از آن نیروی مقدسی موجود در اعماق انگاشته می‌شد و از این رو باروری جهان، از طریق ایجاد بارندگی و سرازیر شدن سیلاب در ید قدرت و حیطة ضبط و اختیار او قرار داشت. علاوه بر این مار- آب (باران) نشانه‌ای از دو واقعیت ماه هستند (تصویر ۱۰). علاوه بر این، ظهور مار در هر بهار، همراه با نوزایی سبزه‌ها و گیاهان، موجب این تصور شده بود که مار با نیروهای محبوس در دل زمین همچون اعماق آب پیوند و همبستگی دارد و از این طریق باز بر نقش او به عنوان عامل باروری تأکید می‌شد. مار در این مفهوم، جزء ضروری نیایش‌ها و مراسم آیینی به شمار می‌آمد. رقص مار نمونه‌ای از این گونه مراسم بود که در بسیاری از نقاط دنیا به منظور نشو و نمای گیاهان انجام می‌شد و مار در آن به عنوان سمبل حاصلخیزی زمین و فراوانی باران به کار می‌رفت.

الیاده معتقد است مار دارای نمادها و مفاهیمی مانند آب، حاصلخیزی، باروری، درخت، ماه، تجدید حیات، عقل، سلامتی و... و از سویی با مفاهیمی چون پلیدی، خیانت، خطر، گناه، شیطان، مرگ و... پیوند می‌خورد. در آثار جیرفت پلنگ و مار همراه با ایزد بانوان هستند که این نمادها می‌توانند جانشین نقش ایزد بانوان شوند. در تصاویر آثار جیرفت پلنگ‌ها جانشین و نمودی از ایزد بانوان هستند که با مار همنشین و همراه می‌شوند. علاوه بر این وجود نقش‌هایی در آثاری جیرفت مانند آب و باروری، نقش مکرر درخت زندگی، نقش گاو و بز نر و قوچ سمبلی از ایزد بانوان هستند و همه گویای وجود اعتقاد به ایزد بانوان در تمدن جیرفت است (رفیع فر، ملک، ۱۳۹۲: ۱۲، ۱۴، ۳۰).



تصویر ۱۰: نقش پلنگ و مار در آثار تمدن جیرفت (رفیع فر و ملک، ۱۳۹۲: ۱۰).



نماد عقرب در آثار جیرفت

— عقرب نماد دیو خشکسالی آپوش دیوها مانند ایزدان وظایف مختلفی دارند. در میان دیوان، دیوی که با نشان عقرب شناخته می شود، دیو خشکسالی است، یعنی آپوش دیو در استوره‌های زرتشتی دیو خشکسالی و از بین برنده آب‌هاست و راه باران را می‌بندد. آپوش نام پارسی ستاره قلب العقرب است که ستاره‌ای پر نور و سرخ فام در صورت فلکی کژدم (عقرب) است.

— عقرب نماد نگهبان در اساطیر ایران

وظیفه اصلی نگهبانان، محافظت از نمودهای خیر است که جوهره زندگی و هستی محسوب می شود و یا محافظت از قلمروهایی که اهریمن حق ورود به آن‌ها را ندارد. از جمله این نمودهای خیر می‌توان به درخت زندگی اشاره کرد (تصویر ۱۲).

نقش بز و درخت در آثار جیرفت

تصویر بز کوهی نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده این حیوان و همچنین جایگاه مهم آن در باور و اساطیر مردمان گذشته بوده است. البته این حیوان را شاید بتوان با توجه به اسناد و مدارک موجود از قدیمی‌ترین نماهای شناخته شده در تاریخ بشری در نظر گرفت. در ایران باستان تصویر این حیوان را در قالب‌های مختلف (مجسمه، نقاشی و کنده‌کاری) از اوایل دوران نوسنگی تا امروز می‌توان مشاهده کرد. نقش‌مایه جانوری بز در میان نقش‌مایه‌های موجود در آثار جیرفت قرار دارد. نقش‌مایه بز در صحنه مرغزار کنده‌کاری شده بر روی ظروف استوانه‌ای، ظروف مخروطی و لیوان‌های پایه‌دار وجود دارد. برخی از نقش‌مایه‌های کنده‌کاری شده بزها مرصع هستند و یا دارای حفره‌هایی برای تزئین سنگ نشانی می‌باشند. بررسی تطبیقی نقش‌مایه بز در منطقه جیرفت با دیگر نقش‌مایه‌های یافته شده از این حیوان، در دیگر مناطق جهان، سبب آشنایی با کارکرد نقش‌مایه جانوری است. این حیوان روزگاری به عنوان تجسم باروری انسان‌ها پرستیده می‌شد و با خدای حاصلخیزی سومری به نام تموز، یکسان به شمار می‌آمد. در اساطیر هندویی، به عنوان یک حیوان ویژه قربانی، مرکب آگنی، خدای آتش هندوان بود. در آثار جیرفت بز همراه درخت نقش بسته است که درخت زندگی ریشه‌ای بس قدیمی در عقاید و فرهنگ اقوام و ملل مختلف داشته است. در عقاید سومریان درخت زندگی سمبل و نماد نوسازی جهان بوده است. این درخت همیشه سبز و برجا بوده که خود نمادی است از زندگی و بقای حیات (صفاران و کامرانی‌نژاد سیرجانی، ۱۳۹۷: ۱۶-۱۷). درخت زندگی دارای هفت شاخه است از طلا، نقره، برنز، مس، قلع و آهن آمیخته که اشاره به هفت سیاره مقدس یا هفت ملتی دارد که بر آن فرمانروایی می‌کرده‌اند و هر یک از آن‌ها منطبق است بر عصری از ادوار هفتگانه تاریخ افسانه‌ای ایران. درخت زندگی در تمدن‌های باستانی سراسر جهان نماد باروری و رویش یا واسطه خیر و برکت شمرده شده و برگ‌هایش خاصیت درمان بخشی ذات بشری را داشته است. این نقش خصوصاً در هنرهای تزئینی و رمزی میان‌رودان از هزاره سوم پیش از میلاد همزمان با آغاز شهرنشینی در ایران به کار رفته است. معمولاً درخت زندگی میان تصاویر دو راهب و یا دو جانور افسانه‌ای (شیر دال، بز وحشی و شیر) قرار دارد که نگهبانانش به شمار می‌روند (صادقی نیا و رحمانی، ۱۴۰۰: ۲۱۹-۲۱۱).





تصویر ۱۱: تنگ مخروطی جیرفت (صادقی نیا و رحمانی، ۱۴۰۰: ۲۱۵).



تصویر ۱۲: درخت زندگی (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۷).



نتیجه گیری

در بررسی منابع تاریخی مشخص شد که در آغاز شهرنشینی در هزاره سوم پیش از میلاد و در لوح انمرکار فرمانروای سلسله اول اوروک برای اولین بار به نام آرت اشاره می‌شود و دسترسی به این سرزمین دارای معادن غنی بسیار سخت بوده و باید از هفت رشته کوه می‌گذشتند. از این دوره به بعد و در زمان حمدالله مستوفی گزارشی در مورد سنگ‌های لاجورد در کوه‌های کرمان نوشته شده است. با توجه به کشف تمدن جیرفت در دو دهه اخیر بیشتر باستان‌شناسان و زبان‌شناسان معتقدند که منطقه هلیل رود جیرفت همان سرزمین آرت است و برخی دیگر معتقدند که تمدن جیرفت سرزمین مرهشی است. منطقه کرمان دارای معادن سنگ کلریتی، فلزات و مصالح ساختمانی است در حالی که معادن سنگ لاجورد در کوه‌های بدخشان افغانستان است و مردمان آرت این سنگ را از افغانستان به آرت می‌آوردند و از آن اشیاء نفیسی درست می‌کردند و آن را به مناطق دور دست صادر می‌کردند. نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی در سال‌های اخیر در منطقه هلیل رود جیرفت، محوطه‌های کنارصندل جنوبی و کنارصندل شمالی معماری عظیم یادمانی (خشتی)، کارگاه‌های صنعتگری، بقایای تدفین در هزاره سوم پیش از میلاد همراه بوده است. بررسی شیوه تصویرگری نقوش جانوری و جانوران ترکیبی در آثار جیرفت، نشان از اهمیت این موجودات در زندگی مردم جیرفت دارد. به نظر می‌رسد باورهای مسلط در جامعه باستانی همچون تقدس جانوران و نقش آن‌ها در زندگی انسان‌ها، در شکل‌گیری این آثار اهمیت اساسی داشته‌اند. حیوانات وحشی، حیوانات اهلی و موجودات ترکیبی، سه شکل عمده از تصاویر حیوانات در این تمدن است. در منابع تاریخی از اواسط هزاره سوم پیش میلاد و در زمان سلسله‌های قدیم میان‌رودانی برای اولین بار به نام مرهشی اشاره شده و از این دوره به بعد و

در زمان سلسله‌های آکدی، اور III، ایسین و لارسا و سلسله‌های کاسی بابل، کم و بیش از سرزمین مرهشی نام برده شده است و از سوی دیگر مشخص گردید در ناحیه‌ای در شمال یا شمال غربی دشت خوزستان، یعنی در منطقه پشته‌کوه ایلام، در حد واسط بین شوش و بابل قرار دارد. بر اساس مطالعه مواد فرهنگی که در جریان بررسی‌های باستان‌شناسی محوطه کول خزینه به دست آمده می‌توان گفت که این محوطه در سراسر دوره‌ای که از مرهشی در منابع تاریخی نام برده شده، مسکونی بوده است. از نظر نگارنده احتمالاً تمدن جیرفت برابر با جایگاه آرت است نه سرزمین مرهشی و جایگاه مرهشی در منطقه پشته‌کوه ایلام است. امید است که با رمزگشایی متون تاریخی جیرفت و کشف الواح بیشتر، اطلاعات دقیق‌تری از تمدن جیرفت به دست آید و جایگاه این دو سرزمین در تاریخ مشخص شود.

تقدیر و تشکر

در پایان بر خود ملزم میدانم که از دکتر مژگان خانمرادی، دکتر حسن افشاری و آقای محسن اله بخشی به خاطر راهنمایی‌های ارزشمند و در اختیار قرار دادن برخی منابع تشکر و قدردانی کنم.

منابع

- اسکندری، نصیر و ماسیمو، ویداله و همکاران. (۱۳۹۹). «تمدن جیرفت براساس متون میخی بین‌النهرینی و کشفیات باستان‌شناختی در محوطه‌های باستانی ورامین و کنارصندل جیرفت»، فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران، دوره جدید (۴۷): ۲۹-۱۱.
- اسکندری، نصیر. (۱۳۹۹). «نتایج پروژه پیش از تاریخی محوطه ورامین: معرفی مرحله اولیه تمدن جیرفت»، فصلنامه علمی مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال چهارم (۱۳): ۵۲-۲۷.
- پارو، آندر. (۱۳۹۱). سومر و آکد، ترجمه محمدرحیم صراف و منیژه ابکائی خاوری. تهران: سمت.
- دوسه، فرانسوا. (۱۳۹۴). «سیستم نگارش جدید کشف شده مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد در ایران: الواح هندسی کنارصندل الواح هندسی هزاره سوم پ.م کنارصندل: نظام نوشتاری جدید مکشوفه از ایران»، ترجمه مریم محمدی، ایرانیکا: (۴۹).
- رازانی، مهدی و امامی، سید محمدمبین و عابد اصفهانی، عباس. (۱۳۸۸). «نگاهی به نو یافته‌های باستان‌شناختی جیرفت»، دو فصلنامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی، سال پنجم (۴).
- رفیع فر، جلال‌الدین و ملک، مهران. (۱۳۹۲). «آیکونوگرافی نماد پلنگ و مار در آثار جیرفت هزاره سوم قبل از میلاد»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره سوم (۴): ۳۶-۷.
- شادجو، سمیه. (۱۳۸۶). «تمدن آرتا»، فصلنامه هنر، شماره (۷۲): ۱۹۰-۱۷۱.
- صادقی نیا، سارا و رحمانی، نجیبه. (۱۴۰۰). «آیکونوگرافی نماد عقرب در آثار تمدن جیرفت»، مطالعات ایرانی، دوره ۲۰ (۴۰): ۲۰۱-۲۳۱.



صفران، الیاس و کامرانی نژاد سیرجانی، مریم. (۱۳۷۹). «تقابل نقش بز کوهی و درخت بر روی تپه شاه فیروز سیرجان با ظروف سنگ صابونی تمدن جیرفت»، دو ماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال سوم، شماره چهارم (۱۲): ۱۳-۲۴.

کریم، ساموئل. (۱۸۹۷). *الواح سومری*، ترجمه داوود رسایی، (۱۳۸۵). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

مجیدزاده، یوسف. (۱۳۵۹). «کندوکاو»، مؤسسه و گروه باستان‌شناسی و تاریخ هنر دانشگاه تهران، شماره (۳).

مجیدزاده، یوسف. (۱۳۸۰). «آیا آرت خاستگاه تمدن سومریان است؟ مدارک جدید از کناره هلیل رود استان کرمان»، باستان‌شناسی و تاریخ، سال شانزدهم (۳۱): ۱۳-۳.

مجیدزاده، یوسف. (۱۳۸۲). *جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مرادی، ابراهیم و مظاهری، خداکرم. (۱۳۹۲). «در جست و جوی مرهشی باستان در منطقه پشتکوه استان ایلام»، فرهنگ ایلام، (۴۰): ۲۶-۴۱.

مرادی، ابراهیم. (۱۳۹۳). «مکانیابی مرهشی باستان براساس داده‌های تاریخی و باستان‌شناسی»، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ششم (۱): ۱۱۰-۱۰۰.

هینتس، والتر. (۱۳۷۱). *دنیای گمشده عیلام*، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

_ Edmund-Gordon L. (1960), A now look at the wisdom of Sumer and Akkad, publishers: Nederlands Institut voor het Nabije Oosten.

_ François-Desset & others. (2017), «A Grave of the halil rud valley Jiroft Iran CA. 2400-2200 BC: Stratigraphy , Funerary practices», *Iranica Aniq*.

_ François-Desset & others. (2022), «The Marhašean two faced God: new insights into the iconographic and religious landscapes of the halil rud valley civilization and third millennium bce south eastern iran», *Journal of Sistan and Baluchistan Studies*, Issue (1): 49-58.

_ Hamd Allah-Mostawfi. (1905), *The Geographical of the Nazhat al Qulub*, trans, G, Le strange Combridge.

_ Jan-Hansman. (1972), «Elamites Achamenids and Anshan», Publishers: Iranian Journal, (10): 101-125.

_ Lamberg-Karlovsky L.C.C. (1971), «Proto-Elamite settlements in Tepe Yahya», Taylor&Francis, Ltd, (9): 87-96.

_ Lamberg-Karlovsky L .C.C, & Tosl, M. (1973), «Shahr Sokhta and Tape Yahya: Tracks on the erliest history of the Iranian Plateau», *East and west*, (23): 21-57.

_ Samuel-Kramer N. (1952), *Anmerkar and the lord of Arata*, Publisher: University of Pennsylvania Press.

